



کتاب و کتابخوانی در غنا*

ترجمه و تلخیص: پرویز پاک سرشت

غنا جمهوری مستقلی است در غرب آفریقا با ۱۲ میلیون جمعیت. این کشور تا سال ۱۹۵۷ مستعمره بریتانیا بود؛ در ماه مارس آن سال استقلال یافت و اندکی بعد به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. مردمش بیشتر مسیحی یا پیر و آنیمیزم (Animism = اعتقاد به ذیروح بودن اعیان و اشیاء طبیعت) هستند و ده درصد از جمعیتش به دین مبین اسلام درآمده‌اند. پایتختش شهر آکراست.

مبلغان مسیحی، بنیانگذار صنعت نشر در غنا

پیشینه کتاب و کتابخوانی در غنا، مانند بسیاری از کشورهای انگلیسی‌زبان در آفریقا، پیوند نزدیکی با فعالیت مبلغان مذهبی در این کشور دارد. مبلغان مسیحی برای ترویج کتاب مقدس در غنا ناگزیر بودند در این کشور با بی‌سوادی مبارزه کنند. در نیمه نخست قرن نوزدهم مبلغان مذهبی دست کم سه زبان غنایی [تموی (Twi)، ای یو (Ewe)، و غا (Ga)] را عمیقاً بررسی کردند و پیش از آغاز نیمه دوم قرن گذشته چهار کتاب برای تهجی و قرائت واژه‌های تموی منتشر ساختند. در همان ایام چاپخانه کوچکی هم در کیپ کوست (Cape Coast) دایر شده بود که تا سال ۱۹۵۱ مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال، به جز کتابهای بسیار معدودی که در مدارس محلی و دارالتبلیغهای مذهبی

مورد استفاده قرار می‌گرفت، کار چاپ و نشر تا اواخر قرن نوزدهم منحصر به تولید روزنامه‌ها و نشریات ادواری بود. اما از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۸ و سپس از ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۰، به موازات رشد نهادهای حکومت و گسترش فعالیتهای صنعتی و تجاری، صنعت نشر در غنا توسعه چشمگیری یافت، منتها بیشتر چاپخانه‌ها در انحصار حکومت قرار داشتند و عمدتاً به چاپ نوشتارهای اداری و تجاری می‌پرداختند.

رفته‌رفته حکومت برای اداره امور کشور به افراد باسواد متخصص نیاز پیدا کرد، و از سوی دیگر بسیاری از شهرنشینان کتاب به دست گرفتند تا در جامعه‌ای که دچار رشد ناموزون بوده است و در آن سنتهای کهن در جوار عادات نوپاسختی می‌کردند به ذهنیت مستقل و اندیشه استوار دست یابند. همزمان با این تحول، از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ چاپخانه‌های خصوصی بسیاری در غنا به کار افتاد، گرچه اینها نیز باز کمتر به تولید کتاب می‌پرداختند مگر چاپخانه‌های مؤسسات مذهبی، از پروتستان گرفته تا فرقه‌های گوناگون کاتولیک، که هنوز هم کتابهای مرغوبی منتشر می‌کنند. تا سال ۱۹۶۵، بیشتر کتابهای علمی و ادبی، ولو اثر نویسندگان غنایی، در خارج چاپ می‌شد، اما در آن سال با تأسیس شرکت انتشارات غنا (Ghana Publishing Corporation) صنعت نشر برای طرح و صفحه‌آرایی و چاپ گسترده‌تری لازم را پیدا کرد. از آن پس نیز رشد بخش خصوصی به تکمیل کوششهای این شرکت کمک کرده است.

روال کنونی

روی هم رفته می‌توان گفت که صنعت نشر کتاب در غنا اکنون شالوده استواری یافته است؛ چه از حیث کتب درسی و چه از حیث کتابهای عمومی. همه‌سی‌وشش عنوان کتابی که برای برنامه آموزش ابتدایی کشور منتشر شده و از سال ۱۹۷۴ به بعد در دبستانهای غنا مورد استفاده قرار گرفته است، در داخل کشور طرح‌ریزی و تدوین و تهیه شده است؛ و قرار بر این است که وزارت آموزش و پرورش غنا کار تهیه کتاب برای دوره دبیرستان را هم برعهده بگیرد. از سوی دیگر ناشران خصوصی، با آنکه از حق انتشار متون درسی به معنای اخص بی‌نصیب و نتیجتاً از امکان رشد سریع محروم هستند، به تولید کتابهای کمک آموزشی مردم‌پسندی برای کودکان و نوجوانان مبادرت می‌ورزند و بسیاری از کتابها نیز از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است. عاملی که این پیشرفت را مختل ساخته است مسأله کاغذ است. کمبود کاغذ در غنا [مانند کشور ما] انتشار عنوانهای تازه و تجدیدچاپ کتابهای جاافتاده را محدود ساخته است و بدین ترتیب از طرفی سبب دلسردی نویسندگان نوپا شده و از

طرف دیگر، چون کتابهای معدودی برای فروش موجود است، به کتابفروشها و توزیع کنندگان پی در پی لطمه زده است. به عبارت دیگر، می توان گفت که هر چند غنا توانایی تدوین و تولید و توزیع کتاب را به تناسب نیازهای ملی داراست، با این حال هنوز برای به جا آوردن این نیازها انسجام صنعتی لازم را پیدا نکرده است. علت اصلی این مشکل را باید در پدیده ای جست که خاص کشورهای در حال رشد است، و آن این است که در این کشورها معمولاً در وضعی اقدام به تأسیس صنایع جدید می شود که هنوز اساس لازم برای صنایع مادر و تولید مواد اولیه پی ریزی نشده است. خوشبختانه در جدول اولویتهای تولیدی غنا، کتاب در مرتبه ششم قرار دارد و مقامات مسؤول غنا امیدوارند که مشکلات صنعت نشر در سایه برنامه ریزیهای اقتصادی در آینده نزدیک حل شود.

زبان نوشتار

پنجاه و چهار زبان و گویش مختلف در غنا رایج است که از این میان فقط نه زبان در زمره زبانهای مکتوب درآمده است. علاوه بر این، در شمال کشور زبانهای دیگری نیز به منظور ترویج مسیحیت در میان مردم آن سامان به کتابت درآمده اند. اما قلت افرادی که به زبانها و گویشهای دیگر غنا تکلم می کنند سبب شده است که بسیاری از این زبانها از قلمرو نشر بیرون بمانند. مسئله گزینش یک زبان واحد به عنوان زبان ملی همچنان در غنا مطرح است، و هر چند بدیهی است که با حل شدن این مسئله صنعت نشر گام بلندی به پیش بر خواهد داشت، چنین گزینش یا رجحانی از حیث سیاسی کار آسانی نیست. با همه این احوال، نظر به تعداد افرادی که به زبان آکان (Akan) حرف می زنند و کثرت کتابهایی که در طی صد سال اخیر به این زبان منتشر شده است، چه بسا در آینده نزدیک آکان زبان رسمی کشور اعلام شود. می توان گفت که در حال حاضر این مقام به زبان انگلیسی تعلق دارد، اما در مدارس ابتدایی در هر منطقه خاص علاوه بر فراگیری زبان یا گویش آن منطقه، آموزش دست کم یک زبان دیگر غنائی اجباری است.

ضرورت یکدست ساختن زبان نوشتار

دست اندرکاران امر نشر در غنا جملگی معتقدند که برای توسعه صنعت و بازار کتاب در این کشور باید نه زبان رسمی غنا را در یک زبان واحد ادغام کرد. آنان می گویند که این کار باید از طریق یکدست کردن الفبای این زبانها صورت بگیرد، به نحوی که نویسندگان بتوانند از میان «الفبای ملی» حروف مورد نیاز خود را برگزینند.

مشکلات تألیف و ترجمه

بیشتر نویسندگان غنا یا صرفاً در نوشتن به زبان انگلیسی مهارت دارند و یا فقط به یکی از زبانهای بومی مسلط اند. کمتر نویسنده ای را می توان یافت که آثار خود را هم به زبانهای بومی و هم به زبانهای خارجی (انگلیسی و فرانسه) عرضه کند. وانگهی، به علت کثرت زبانهای رایج، نادرند نویسندگانی که در زبان انگلیسی و یا در یکی از زبانها بومی تبحر یافته باشند. مضافاً بر اینکه قواعد تهجی و رسم الخطی که برای زبانهای بومی وضع شده است هنوز دچار آشفتگی است و این خود مشکلات عمده ای را در آماده سازی دستنوشتهها پدید می آورد.

از سوی دیگر، در کشوری که مردم آن قرنهایست در نقل افسانهها و حکایات به سنت سینه به سینه عادت کرده اند، دگرگون کردن این سنت و ترویج کتابخوانی طبیعتاً نیازمند زمان است، هر چند که ممکن است زمان لازم برای این دگرگونی نسبتاً کوتاه از آب درآید.

دسترسی به ناشر هم مشکل دیگری است. بسیاری کسانی که تفاوت میان چاپخانه دار و ناشر را نمی دانند و گمان می کنند که هر حرفچین یا چاپخانه داری می تواند کتابشان را چاپ کند. علاوه بر این، اینان غافلند که هر ناشری معمولاً در یک زمینه خاص فعالیت می کند و برای ادامه دادن به کارش باید به فکر سود هم باشد. هستند نویسندگانی که گمان می کنند ناشر موظف است دستنوشته آنها را صرف نظر از موضوع و کیفیت و بازاری که برای آن موجود است چاپ کند. در بسیاری از موارد هنگامی که دستنوشته ای از جانب یک ناشر رد می شود، نویسنده به چاپخانهها مراجعه می کند و با سرمایه خود دست به نشر اثرش می زند، و چون جوانب کار را از حیث طراحی و پرداخت فنی و ظرفیت بازار نسنجیده است غالباً در عرضه و فروش کتابش ناکام می ماند.

حتی در مواردی که مضمون اثر استادانه پرورده شده است و بازار هم آن را می طلبد، باز ممکن است به آسانی نتوان ناشری برای آن اثر پیدا کرد، زیرا در حال حاضر تقریباً همه ناشران معتبر غنائی به علت کمبود کاغذ از چاپ دستنوشتههای فراوان و بسیار خوبی که در اختیار دارند عاجزند. از یک سو مؤلفان و مترجمان روز به روز طاقت خود را بیشتر و بیشتر از دست می دهند و از سوی دیگر چون نمی توان تاریخ معینی برای تولید کتابهای تازه در نظر گرفت، پذیرش دستنوشتههای جدید از احتیاط به دور است، ولو این دستنوشتهها از کیفیت بسیار خوبی برخوردار باشند. روشن است که چنین تنگنایی مایه دلسردی مؤلفان و مترجمان است، به نحوی که جز تنی چند از نویسندگان پر شور که

حاضرند کار خود را به رغم تمام مشکلات ادامه دهند، این روزها از میان جوانان با استعداد غنایی کمتر کسی را می توان یافت که حرفه نویسنده را پیشه خود کند.

ترجمه

آمار موجود در بازار کتاب نشان می دهد که بیشتر کتاب خوانهای غنایی به خواندن کتابهایی علاقه دارند که مسائل و چشم اندازهای زندگی در کشور خودشان را منعکس کند، به این دلیل و نیز به علت آشفته گی مفرط در معادلهایی که برای واژه های فنی و ادبی وضع شده است و همچنین به سبب شمار اندک مترجمانی که به زبانهای خارجی تسلط داشته باشند، کار ترجمه در غنا پا نگرفته است.

ناشران دولتی و خصوصی

برای ارائه تصویری از وضع موجود نشر در غنا اجمالاً و نمونه وار به بررسی سه شرکت نشر می پردازیم که اولی تماماً دولتی، دومی تماماً خصوصی و سومی نیمه دولتی و نیمه خصوصی است:

۱) انتشارات غنا این شرکت در سال ۱۹۶۵ به منظور «چاپ، نشر، و توزیع کتاب و سایر مواد آموزشی برای دبستانها، دبیرستانها، دانشگاهها و مردم...» تأسیس شد. مرکز آن در بندر تما (Tema)، از توابع آکرا، مجهز به ماشین آلات پیشرفته و شبکه توزیع مشتمل بر بیست عمده فروشی در نقاط مختلف کشور است و از پنج بخش تشکیل شده است:

- ۱) تولید،
- ۲) ویرایش،
- ۳) دبیرخانه،
- ۴) امور مالی،
- ۵) توزیع و فروش.

مدیرعامل این شرکت فقط در برابر هیئت مدیره ای مسئول است که اعضای آن را وزیر اطلاعات تعیین می کند.

۲) شرکت انتشارات سدکو. این شرکت که در سال ۱۹۷۵ شروع به کار کرد، زیر نظر هیئت مدیره شرکت اداره می شود و کارهای اجرایی آن بر عهده مدیرعاملی است که از میان هیئت مدیره انتخاب می گردد. علاوه بر امر نشر، کار نگهداری و توزیع و خرده فروشی و عمده فروشی فرآورده های خود را بر عهده دارد و همچنین نماینده چندین ناشر خارجی است. هم متون درسی چاپ می کند و هم متون غیردرسی. در زمینه کتاب برای بزرگسالان تخصص و کارآیی بیشتری از خود نشان داده است.

۳) شرکت انتشارات افرام. این شرکت در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد و بخش اعظم سرمایه اش را سازمان بیمه غنا که يك نهاد دولتی است تأمین کرد و بدین ترتیب «افرام» يك شرکت نیمه دولتی به حساب می آید. زیر نظر مدیرعاملی فعالیت می کند که از میان هیئت مدیره انتخاب می گردد. مشتمل بر چهار بخش ویرایش، تولید، فروش و امور مالی است و کم و بیش مانند سدکو عمل می کند. تخصصش در کتب دبستانی و دبیرستانی و تربیت معلم و آموزشگاههای فنی است. در چاپ کتابهای مخصوص کودکان مهارت چشمگیری به خرج داده است.

چاپخانه ها

روی هم رفته در حدود ۱۷۰ چاپخانه در غنا مشغول کارند که از این میان تقریباً ۱۰۰ چاپخانه در آکرا مستقرند. این چاپخانه ها از حیث وسعت و ظرفیت تولید بسیار متفاوت اند و بزرگترینشان تما پرس (Tema Press)، چاپخانه انتشارات غنا، با ظرفیت بالقوه ۱۰ میلیون کتاب در سال است.

ماشین آلات بسیاری از چاپخانه ها آمیزه ای است از ادوات قدیمی و ابزار جدیدی که غالباً با یکدیگر ناسازگارند و به آسانی نمی توان میانشان هماهنگی کامل برقرار ساخت. بارها اتفاق افتاده است که کار در چاپخانه ای تا مرحله نمونه سفید و عکاسی (لیتوگرافی) پیش رفته است اما چون مواد لازم برای چاپ افست در دسترس نبوده فیلم تهیه شده مدتها در انبار مانده و چه بسا ضایع شده است، به نحوی که پس از رسیدن محموله تازه ای از مواد لازم، حروفچینی اثر از نو تکرار شده است.

نگهداری ماشین آلات خود مشکل دیگری است. تعمیرکاران ناشی عیبهای کوچک را به خسارات بزرگ تبدیل می کنند و چون برای خریدن لوازم یدکی ارز کافی در میان نیست گاه بخشهای بزرگی از چاپخانه ها ماهها از کار می افتد.

کتابخانه ها

شش کتابخانه بزرگ در پایتخت و مراکز استانها و مجموعاً سی کتابخانه عمومی دیگر در شهرهای مختلف دایر است. در کتابخانه مرکزی آکرا ۱۴۰۰۰۰ کتاب موجود است که از این میان ۵۴۰۰۰ کتاب مخصوص کودکان است. هر سه دانشگاه غنا هم کتابخانه های نسبتاً بزرگی دارند:

دانشگاه غنا: ۳۱۰۸۰۰ جلد.
دانشگاه علم و صنعت در کوماسی (Kumasi): ۱۷۰۰۰۰ جلد.
دانشگاه کیپ کوست: ۱۱۵۰۰۰ جلد.

مبارزه با بی سوادی در ۲۵ سال اخیر شدت گرفته و میزان

بی سوادی از ۹۰ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴۵ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته است. اما پیشه‌وران، کشاورزان، کارگران، صنعتگران و ماهیگیران باسواد حتی در زمینه‌هایی که به حرفه آنان مربوط می‌شود به ندرت کتاب می‌خوانند، زیرا اولاً بیشتر آنان از تحصیلات دوره ابتدایی پیشتر نرفته‌اند و ثانیاً به تجربه دریافته‌اند که برای پول درآوردن نیازمند مطالعه نیستند و انگیزه دیگری هم برای کتاب خواندن ندارند چه به قول شاعر:

همچنان هر کاسبی اندر دکان
بهر خود کوشد نه اصلاح جهان

روستاییان نیز به علت مشکلات فراوان نمی‌توانند به مطالعه بپردازند. اولاً بیشتر اوقاتشان مصروف کشت و زرع و دامداری و کشیدن آب از چاه و کارهایی سخت دیگر می‌شود و ثانیاً پس از فراغ از کار، محیط آرامی که از سروصدای کودکان و جنب‌وجوش پخت‌وپز و نیش پشه‌های جرار برکنار باشد در اختیار ندارند. و اگر هم فرصتی برای مطالعه بیابند معمولاً جز کتابهایی که به دیانت مسیح مربوط می‌شود مطلب دیگری در دسترس ندارند. بدین ترتیب تا آنجا که قضیه به بزرگسالان مربوط می‌شود، بزرگترین گروه کتابخوانهای غنا را شهرنشینهای تحصیل کرده تشکیل می‌دهند که از این میان طبق آمار موجود، نسل جوانتر به‌طور کلی کتابهای نویسندگان غنایی را می‌پسندد ولی سالمندان، که غالباً مدتی دراز زیر سلطه استعمار زیسته‌اند، آثار نویسندگان خارجی را بر ادبیات ملی ترجیح می‌دهند.

میزان انتشار

دامنه نشر در حوزه کتابهای ادبی و اجتماعی برای عامه مردم بسیار کوتاه است. به علت بی‌ثباتی بازار، ناشران خصوصی سرمایه‌های محدودشان را برای چاپ این‌گونه کتابها به خطر نمی‌اندازند، و از این رو تعداد عناوینی که در طی سال منتشر می‌شود بسیار محدود است. برای مثال عناوین منتشر شده در سال ۱۹۸۱ از این قرار بوده است:

مذهب و مطالعات اجتماعی:	۲ عنوان
سیاست و حکومت:	۱ "
اقتصاد و حکومت:	۱ "
تعلیم و تربیت:	۱ "
زبانهای خارجی:	۱ "
ادبیات:	۹ "
کتاب برای کودکان:	۴ "

تیراژ چاپ اول این‌گونه کتابها بین ۵ تا ۱۲ هزار نسخه است، و از روی همین ارقام می‌توان به نارسایی موجود در امر تولید کتاب در غنا پی برد. به سخن دیگر، میزان کنونی تولید کتاب در این کشور بسیار ناچیز است و تا بهبود چشمگیری در اقتصاد غنا صورت نگیرد نمی‌توان چشم انداز مشخصی برای آینده کتاب در این کشور ترسیم کرد.

* این مقاله چکیده گزارشی است با عنوان *Books And Reading in Ghana* نوشته آمو جوله‌تو (Amu Djoleto) که در مجموعه «کتاب و کتابخوانی» از سری سازمان یونسکو در سال ۱۹۸۵ منتشر شده است.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سهم ژاپن در بازار جهانی کتابهای انگلیسی زبان دانشگاهی

- جمعیت ژاپن: حدود ۱۲۰ میلیون نفر.
 - تعداد (تخمینی) افرادی که تحصیلات عالی را به پایان رسانده‌اند: ۴۸ میلیون نفر.
 - تعداد افراد مسلط به زبان انگلیسی: حدود ۱۰۰۰۰ نفر.
 - سهم ژاپن در کل بازار جهانی کتابهای انگلیسی زبان دانشگاهی - اعم از علمی و فنی و پزشکی و علوم اجتماعی و انسانی: ۱۰ درصد.
 - سهم دانشگاهها در کل خرید کتابها و جراید انگلیسی زبان دانشگاهی وارده به ژاپن: ۶۰ درصد.
 - ارزش بولی واردات کتابها و جراید انگلیسی زبان دانشگاهی در سال ۱۹۸۳:
- کتاب: ۸۰ میلیون دلار
جراید: ۴۴ میلیون دلار
(خریدهای مستقیم اشخاص حقیقی و حقوقی، و همچنین خریدهای کمتر از ۸۰۰ دلار محاسبه نشده است.)
- سهم (تخمینی) رشته‌های علمی مختلف در کل واردات فوق: پزشکی: ۶۵ درصد
علمی و فنی: ۱۵ درصد
علوم انسانی و اجتماعی: ۱۰ درصد
حرفه‌ای: ۱۰ درصد
 - سهم ژاپن در کل اشتراك جهانی جراید انگلیسی زبان دانشگاهی: علمی و فنی و پزشکی: ۱۰ تا ۱۵ درصد
علوم انسانی و اجتماعی: ۴ تا ۸ درصد
(اشترك مستقیم اشخاص حقیقی و حقوقی، و همچنین اشتراك از طریق واسطه‌های خارجی محاسبه نشده است.)
- نقل از: *Scholarly Publishing*, Vol. 17, No. 2, January 1986.